

اذعان تحلیلگر اسرائیلی

فروپاشی اقتصادی تحت فشار تحریم‌ها لزوماً به سقوط ایران نمی‌انجامد

رسانه یورونیوز به اذعان یک تحلیلگر اسرائیلی پرداخته که معتقد است فروپاشی اقتصادی تحت فشار تحریم‌ها لزوماً به سقوط جمهوری اسلامی نمی‌انجامد. او در ادامه اعتراف کرده چندان روشن نیست که نتیجه این نبرد اقتصادی، به جمهوری اسلامی آسیبی بزند، آنچه در ادامه می‌خوانید بخش‌هایی از گزارش یورونیوز است؛ یک تحلیلگر اسرائیلی می‌گوید تحریم‌های تازه آمریکا دسترسی ایران به ارز خارجی را محدودتر کرده و فشار قابل توجهی بر اقتصاد این کشور وارد کرده است، اما فروپاشی اقتصادی لزوماً به سقوط جمهوری اسلامی منجر نخواهد شد.

لوزی رابی، رئیس مرکز موشه دایان برای مطالعات خاورمیانه و آفریقا در دانشگاه تل آویو، در گفت‌وگویی با رادیو ۱۰۳ افام، تأثیر جنگ اقتصادی آمریکا علیه ایران را بررسی کرد و گفت: نتیجه مسیر اقتصادی قطعی نیست، رابی اظهار کرد: از نظر تئوری، محاصره اقتصادی و دریایی می‌تواند مؤثر باشد، به شرط آنکه آمریکا این سیاست را با جدیت و به‌طور مداوم دنبال کند. اما پرسش این است که چین، ترکیه و پاکستان چه خواهند کرد و آمریکا تا چه زمانی این فشار را ادامه خواهد داد. این کارشناس اسرائیلی بر این باور است که واشنگتن این بار تلاش می‌کند به جای تمرکز صرف بر اقتصاد داخل ایران، کشورها و شبکه‌هایی را هم که امکان ادامه تجارت را برای تهران فراهم می‌کنند تحت فشار قرار دهد.

رابی در ادامه افزود: یک چیز قابل بحث نیست؛ ایران در هفته‌های اخیر مجبور شده با دلارهای کمتر و کمتری کار کند. وقتی ارز خارجی کافی نداشته باشد، حتی اداره بخش کشاورزی و صنعت هم دشوار می‌شود. او با اشاره به اینکه جمهوری اسلامی از زمان تأسیس خود هیچ‌گاه یک اقتصاد عادی نداشته و همواره با نوعی «اقتصاد مقاومتی» کار کرده، گفت: اما تحریم‌های فعلی از بسیاری از دوره‌های گذشته جدی‌تر هستند. با این حال، رابی هشدار داد شرایطی می‌تواند با تحولات دیپلماتیک تغییر کند. او افزود: اگر عمان و ایران به توافقی برسند یا پاکستان بتواند ترامپ را متقاعد کند که زمینه‌ای برای مذاکره وجود دارد، ممکن است رئیس جمهوری آمریکا بخشی از فشارها را کاهش دهد.

■ فشار اقتصادی بدون تضمین سقوط حکومت

رابی تأکید کرد: کارزار اقتصادی آمریکا می‌تواند ابزار مهمی علیه تهران باشد، اما نباید از آن نتیجه گرفت که بحران اقتصادی حتماً به سقوط جمهوری اسلامی منجر خواهد شد.

رئیس مرکز موشه دایان برای مطالعات خاورمیانه و آفریقا در دانشگاه تل آویو معتقد است وضعیت تنگه هرمز نیز نسبت به ابتدای جنگ تغییر کرده است. اختلال در این آبراه موجب شده کشورهای منطقه با سرعت بیشتری به دنبال مسیرهای جایگزین برای انتقال انرژی باشند و عربستان سعودی اکنون بخش بیشتری از نفت خود را از مسیر دریای سرخ صادر کند.

به گفته او، ایران از جنگ آسیب جدی دیده است، اما حکومت همچنان منابع و شبکه‌های اقتصادی خاص خود را در اختیار دارد. رابی در ادامه گفت: نمی‌خواهم از این مصاحبه چنین برداشتی ایجاد شود که اگر اقتصاد فروپاشد، حکومت هم سقوط می‌کند. ایران یک اقتصاد دیگر هم دارد؛ اقتصاد حکومت. او در عین حال وضعیت مردم را دشوار توصیف و بیان کرد: فشار اقتصادی در زندگی روزمره و خرید کالاهای اساسی به‌وضوح احساس می‌شود. به گفته این تحلیلگر، یکی از پرسش‌های اصلی این است که شبکه‌های غیررسمی و ارزهای دیجیتال تا چه اندازه می‌توانند به ایران برای دور زدن فشارهای آمریکا کمک کنند. آمریکا قصد دارد مسیرهای اقتصادی ایران را تا حد ممکن مسدود کند و این بخش از کارزار واشنگتن را نباید دست‌کم گرفت.

■ هشدار درباره توافق با تهران

رابی در بخش دیگری از این گفت‌وگو نسبت به رسیدن به توافق دیپلماتیک با ایران نیز ابراز تردید کرد و گفت: چنین توافقی می‌تواند به تهران فرصت بیشتری برای بازسازی توان خود بدهد. او افزود: توافق با ایران می‌تواند برای آن‌ها یک فرصت پنهان باشد و زمان بیشتری در اختیارشان قرار دهد. رابی همچنین مدعی شد: تهدید جمهوری اسلامی تنها متوجه اسرائیل نیست و کشورهای غربی نیز باید آن را تهدیدی برای خود بدانند. آقای رابی در پایان تأکید کرد: کنار رفتن جمهوری اسلامی برای مخالفان این حکومت مطلوب خواهد بود، اما اضافه کرد رسیدن به چنین نتیجه‌ای آسان نیست و فشار اقتصادی نیز تضمینی برای آن ایجاد نمی‌کند. به گفته او، تحریم‌هایی می‌توانند به تدریج توان و منابع حکومت را کاهش دهند و شرایطی ایجاد کنند که احتمال تغییر سیاسی را بیشتر کند، اما درباره نتیجه این مسیر نمی‌توان با قطعیت سخن گفت.

روزشمار جنگ | ۹ شهریور ۱۴۰۵

گروه سیاسی | یک ماه آرامش نسبی با حمله آمریکا شکست؛ پاسخ سریع ایران هم نشان داد فاصله میان «ضربه محدود» و «دور تازه جنگ» همچنان بسیار کوتاه است.
اتفاق مهم لارک خود حمله نبود. پس از ۶ ماه جنگ، حمله دوباره آمریکا به یک هدف در خاک ایران دیگر پدیده‌ای ناشناخته نیست. آنچه ارزش تحلیل دارد، اتفاقی است که پس از آن افتاد.
واشنگتن حمله را «محدود و دقیق» توصیف کرد. اما ایران خیلی زود پاسخ داد و پایگاه‌های میزبان نیروهای آمریکایی در اردن را هدف قرار داد و هم‌زمان تأکید کرد ایران آغازگر جنگ نیست، اما حمله به خاک خود را بی‌پاسخ نمی‌گذارد. از دل این رفتار، می‌توان یکی از قواعد عملی جنگ در ماه‌های اخیر را شناسایی کرد. آمریکا شاید هنوز قدرت آغاز کردن یک دور تازه حمله را داشته باشد، اما دیگر نمی‌تواند درباره پایان همان دور به‌تنهایی تصمیم بگیرد.

■ «جنگ کم‌شدت» هم دو طرف دارد

تریتا پارسی، معاون مؤسسه کوئینسی در واشنگتن، پیش از آنکه پاسخ ایران انجام شود، در تحلیلی درباره حمله لارک نوشته بود: شواهد بیشتر از آنکه نشان «هنده تمایل ترامپ به آغاز یک موج بزرگ جنگ باشد، از تلاش او برای حفظ یک منازعه کم‌شدت تا انتخابات میان‌دوره‌ای حکایت دارد؛ فشار

نشست سران سازمان همکاری شانگهای در حضور رئیس‌جمهور ایران برگزار می‌شود

اشتراک منافع زیر چتر شانگهای



در دیدار پزشکیان با سران هند، پاکستان، آذربایجان، تاجیکستان و قرقیزستان چه گذشت؟

بیشکک؛ صحنه دفاع ایران از امنیت جمعی منطقه

و امنیت پایدار در منطقه جز با همکاری و همدلی کشورهای منطقه و بدون مداخله بیگانگان محقق نخواهد شد و در این صورت رژیم صهیونیستی جرئت نخواهد کرد به این سادگی به کشورهای اسلامی حمله کند. رئیس‌جمهور در دیدار با امامعلی رحمان، روابط تهران و دوشنبه را فراتر از مناسبات متعارف دیپلماتیک دانست و بر عزم ایران برای توسعه و تعمیق همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی با تاجیکستان تأکید کرد. پزشکیان در دیدار با صدیر جباروف، رئیس‌جمهور قرقیزستان و الهام علی اف رئیس‌جمهور آذربایجان نیز گفت: ایران امنیت منطقه را مقوله‌ای جمعی دانسته و مؤثرترین راه برای تقویت آن از جلوگیری از مداخله قدرت‌های بیگانه در منطقه می‌داند.

سازمان و تلاش آن برای نقش آفرینی مؤثرتر در تحولات بین‌المللی بوده‌ایم. نگاهی به محورهای دستور کار اجلاس اخیر سران در بیشکک می‌تواند به خوبی گویای روند این توسعه‌کیفی باشد؛ در جایی که این محورها در چارچوب سه بخش امنیتی نوین، همکاری‌های اقتصادی و فناوریانه و در نهایت مباحث بین‌المللی سیاسی تفکیک شده‌اند.

■ روابط متقابل ایران و سازمان همکاری شانگهای

جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی بود که از همان سال‌های ابتدایی شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای ارتباط مؤثری با آن برقرار کرد. حضور دوه‌های ایران به عنوان عضو ناظر و وجود درخواست عضویت دائم را می‌توان به

شرقی، این سیگنال را به کاخ سفید می‌فرستد که ایران به لحاظ نظامی و اقتصادی تنها نیست و البته دنیا دیگر تحمل تک‌روی‌های واشنگتن را نخواهد داشت.

این اقدام از منظر بیان مواضع جمهوری اسلامی و رساندن آن به گوش مقامات جهانی نیز قابل توجه است. آمریکای ترامپ ناکام از شکست دادن ایران در میدان نظامی، با به‌راه انداختن کارزار «طرد اقتصادی» به دنبال جذب طرف‌های مختلف و تنگ‌تر کردن حلقه محاصره است. در مقابل، حضور پزشکیان در قرقیزستان که دیدار با مقامات روسیه، هند، پاکستان، تاجیکستان و... در سین برنامه‌های آن گنجانده شده، بدون تردید در راستای شفاف‌سازی سیاست تهران، ارزشمند است. رئیس‌جمهور صبح دیروز پیش از ترک تهران، به این مهم گریزی زد و با اشاره به حضور در نشست که بیشتر سران منطقه در آن حضور خواهند داشت آن افزایی مهم برای مقابله با تک‌صدایی در جهان خواند. وی البته درباره تحولات منطقه هم آشکارا اعلام کرد ما به دنبال جنگ نیستیم اما در مقابل هر گونه تجاوز، آرام نخواهیم نشست و این پیام روشنی است به جهانپان.

از سویی پشت پرده چنین رویدادی، به شکست کشاندن سیاست اقتصادی دشمن آمریکایی است. در حالی که دولت ترامپ مدعی کشیدن دیوار فولادی در یایی در خلیج

فارس است، فعال شدن ظرفیت‌های زمینی، خط بطلانی بر خیالات خام کاخ سفیدند. نشینان است. تهران توجه به پیمان‌های راهبردی را در راستای شکست محاصره دشمن به جد مد نظر دارد. در این میان در مقطع اخیر آسیای مرکزی به دلیل نزدیکی جغرافیایی اهمیت راهبردی پیدا می‌کند. سفر هیئت تاجیکستان به ایران در ۲۷ مرداد ماه که دلیر جمعه، وزیر انرژی و عظیم ابراهیم، وزیر حمل و نقل در آن حضور داشتند و حضور بهرام جان‌اعلیف، معاون اول وزیر امور خارجه از یکستان در ایران و دیدار وی با عراقچی تنها یک روز پس از این تاریخ، گواه برنامه هدفمند تصمیم‌سازان ما در فعال کردن این ظرفیت و به شکست کشاندن اقدام‌های خصمانه دشمن است.

در تکمیل این حلقه، شرکت پزشکیان در اجلاس شانگهای در راستای گسترش تعاملات با جهان شرق قابل تعبیر است. در طول یک سال اخیر (شهریور ۱۴۰۴ تا شهریور ۱۴۰۵)، سفرهای خارجی پزشکیان تصویری نسبتاً روشن از اولویت‌های سیاست خارجی دولت چهاردهم ارائه می‌دهد.

■ کنترل تشدید، نه پایان جنگ

این وضعیت را نباید با کاهش خطر اشتباه گرفت. «پاسخ محدود» فقط زمانی محدود باقی می‌ماند که طرف مقابل نیز آن را پایان همان دور بداند. ترامپ اکنون گفته آمریکا به هر حمله ایران پاسخ خواهد داد. آمریکا در حال انجام دو کار متناقض است؛ از یک سو می‌خواهد اعتبار تهدید خود را حفظ کند و از سویی دیگر نمی‌خواهد کنترل جنگ را کاملاً از دست بدهد. حاصل، نوعی

وجود برخی محدودیت‌ها و سیاست‌های سازمان مرتبط دانست؛ به‌ویژه آنکه سازمان در بیانیه شکل‌گیری خود بر این موضوع تأکید کرده بود که هدف از ایجاد آن دشمنی با هیچ کشوری نیست. در واقع گنجاندن چنین عبارتی بازتاب‌دهنده نگرانی اعضایی چون چین در مورد گمانه‌زنی تقابل سازمان با آمریکا بود که می‌توانست در پذیرش عضویت کامل ایران در سازمان نیز تأثیرگذار باشد. موضوع تحریم‌های بین‌المللی ایران و همچنین اختلافات تهران با برخی کشورهای عضو هم در پذیرش دیر هنگام ایران بی‌تأثیر نبوده است. اما در نهایت پذیرش عضویت کامل ایران پس از دو دهه می‌تواند بازتاب‌دهنده تحولی در دیدگاه‌ها و محورهای همکاری در سازمان شانگهای باشد. این تحول پس از جنگ ۱۲ روزه و تجاوز آمریکاورژیم صهیونیستی به ایران در قالب بیانیه‌های محکومیت این تجاوز از سوی سازمان شانگهای بازتاب بیشتری پیدا کرد. همچنین پس از این تجاوز بود که اعضایی همچون چین و روسیه به انتقاد صریح از یک جانبه‌گرایی و نظام پرآشوب ایجادشده از سوی آمریکا و غرب روی آورده و بر ضرورت شکل‌گیری یک نظام چندجانبه‌گرایانه و مبتنی بر ارزش‌های مشترک بین‌المللی تأکید کردند.

■ ایران از اجلاس بیشکک چه می‌خواهد؟

حضور ایران در اجلاس سران شانگهای در بیشکک در عالی‌ترین سطح ممکن، می‌تواند در چارچوب دستیابی به چندهدف عمده مدنظر قرار گیرد. در وهله نخست به لحاظ سیاسی این اجلاس می‌تواند پیام مهمی به جهان در راستای محکومیت اقدام‌های یک‌جانبه و تعرض به حاکمیت و تمامیت سرزمینی کشورها انتقال دهد. این همان نکته است که آقای عراقچی در اجلاس وزیران خارجه شانگهای در مرداد ماه امسال به صراحت اشاره می‌کند: «سکوت و مواضع دوپهلو در برابر حمله به ایران، متجاوزان را به تکرار جنایت تشویق می‌کند... آینده‌ای امن‌تر، باثبات‌تر و عادلانه‌تر زمانی قابل تحقق است که همه با صدایی واحد از حاکمیت قانون، برابری دولت‌ها، احترام به استقلال کشورها و کرامت ملت‌ها دفاع کنیم. سازمان همکاری شانگهای می‌تواند و باید در خط مقدم این مسئولیت تاریخی قرار گیرد». اما در وجه اقتصادی نیز این مشارکت و حضور می‌تواند هم برای ایران و هم برای سازمان شانگهای حائز اهمیت تلقی شود. سازمان شانگهای مدت‌هاست برای توسعه روابط اقتصادی میان اعضا و به‌خصوص توسعه زیرساخت‌ها و خدمات لجستیک و حمل‌ونقل برنامه‌ریزی می‌کند. شرایط به‌وجود آمده برای ایران و استقبال تهران و برخی دیگر از کشورهای سازمان مانند تاجیکستان و یاروسیه، فرصت خوبی فراهم کرده تا این برنامه‌ها در چارچوب سازمان شانگهای به سمت اجرایی شدن حرکت کند.

برنامه توسعه همکاری‌های مالی نیز از دیگر حوزه‌هایی است که ظرفیت مساعدی برای همکاری میان اعضا دارد و برای تهران نیز بسیار ارزشمند تلقی می‌شود. پیشنهاد ایجاد «بانک توسعه سازمان همکاری شانگهای» که از سوی ایران با جدیت پیگیری می‌شود و یا ایجاد سیستم مبادلات ارزی خارج از دلار، بخشی از این برنامه‌هاست که اجرایی آن‌ها هم به سازمان شانگهای اعتبار و وزنی دوچندان می‌بخشد و هم به عبور ایران از سد تحریم‌های ناعادلانه و یک‌جانبه کمک بزرگی خواهد کرد.

می‌دهد. حضور چهار پایتخت شرقی در میان ۶ مقصد سفر رئیس‌جمهور (چین، قزاقستان، ترکمنستان و پاکستان) بیانگر اهمیت راهبردی نزدیکی به شرق است. به این فرایند، سفر به قرقیزستان را باید افزود. در این میان گسترش مناسبات با کشورهایی که دارای پیوندهای ویژه فرهنگی و زبانی با ایران هستند جزو تأکیدات رهبر معظم انقلاب است. آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای در پیام نوروزی خود، نکاتی در مورد دیدگاه و سیاست نظام درباره مرادوه با کشورهای همسایه ذکر کرده‌اند که قابل ملاحظه است. ایشان با اشاره به اینکه جدا از عنصر همسایگی، اشتراک در تدین به دین مبین اسلام، قومیت مشترک و هم‌زبانی، هر یک به تنهایی در جای خود می‌تواند تحکیم‌کننده روابط حسنه با برخی کشورها (به‌ویژه در حوزه شرق) باشد، فرمودند: «جمله همسایگان شرقی را خیلی به‌خود نزدیک می‌دانیم. بنده از دیرباز در مورد پاکستان می‌دانستم که کشوری است که مورد علاقه خاص رهبر شهیدمان بود و بنده هم به‌دلایل مختلف همیشه همین طور فکر می‌کردم. در همین جا می‌خواهم تقاضا کنم که دو کشور برادرم‌ان یعنی افغانستان و پاکستان باید برای رضای الهی هم که شده روابط بهتری با هم برقرار سازند و بنده به سهم خود حاضر به اقدامات لازمه هستم.»

■ بازار، این ظرفت‌ها را نمی‌فهمد

اما بیرون از اتاق‌های تصمیم‌گیری، تفاوت میان «تبادل محدود» و «آغاز دور تازه جنگ» چندان روشن نیست. تنها چند ساعت تبادل آتش کافی بود تا نفث برنت بیش از ۲ درصد بالا برود و دوباره از مرز ۹۰ دلار عبور کند. این همان نقطه‌ای است که هزینه جنگ از ایران و آمریکافراتر می‌رود. برای بازار انرژی، بیمه‌گر، شرکت هواپیمایی یا بانک مرکزی کشور واردکننده نفت، مهم نیست موشکی که شلیک شده بخشی از «پاسخ کنترل‌شده» بوده یا آغاز یک عملیات بزرگ؛ کافی است احتمال دور بعدی افزایش پیدا کند. به همین دلیل، درگیری اخیر را نباید صرفاً «حمله آمریکا و پاسخ ایران» خواند. اتفاق مهم‌تر این بود که پس از یک ماه کاهش تبادل آتش، قاعده پاسخ متقابل هنوز پابرجاست. آمریکای می‌تواند فشار را بالا ببرد، اما تعیین اینکه این فشار در همان نقطه متوقف بماند دیگر فقط در اختیار واشنگتن نیست و شاید مهم‌ترین بازدارندگی‌ای که ایران در این مرحله ساخته، دقیقاً همین باشد. اینکه هر تصمیم‌بری تشدید جنگ هزینه‌و مرحله‌ای بعدی دارد که طرف مقابل نمی‌تواند آن را به‌طور کامل از پیش تعیین کند.

یک ماه آرامش نسبی با حمله آمریکا شکست؛ پاسخ سریع ایران هم نشان داد فاصله میان «ضربه محدود» و «دور تازه جنگ» همچنان بسیار کوتاه است

جنگ در مرز تصعید

در منطقه که قرار بود امکان واکنش سریع و بازدارندگی را افزایش دهد، در یک رویارویی مستقیم با ایران کارکرد دوگانه پیدا کرده است. همان زیرساختی که به آمریکا امکان اعمال قدرت می‌دهد، نقاط متعددی نیز برای پاسخ ایران ایجاد می‌کند. مرکز سوفان در ارزربایی تازه خود از ۶ ماهگی جنگ حتی احتمال داده همین آسیب‌پذیری، در بلندمدت واشنگتن را به سمت کاهش اتکا به پایگاه‌های بزرگ و بازگشت بیشتر به حضور «فراساحلی» سوق دهد.

بازدارندگی در دل خود جنگ است؛ نه بازدارندگی‌ای که مانع درگیری شود، بلکه بازدارندگی‌ای که تلاش می‌کند سقف هر دور از درگیری را محدود نگه دارد.